

ذخائر انقلاب

دردل کوهها و دره‌های صعب العبور



«والله جعل لکم من بیوتکم سکنًا و جعل لکم من جلود الانعام بیوتا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم افاصکم.....»

خداوند خانه های شما را محل آرامش شما قرار داد و برای شما از پوست چهارپایان خانه هائی فراهم کرد که برداشتن آنها در روز کوچ کردن و روز اقامتتان سبک می بایند.

آداب و رسوم کوچ نشینی باعث شده تا فرهنگ غربی و شهرنشینی در عشایر کمتر رسوخ کند. اسباب بازی کودکان عشایری، بره های تازه متولد شده و گردشگاههایشان کوهستانهای سر به فلک کشیده است که آنها خود، عواملی برای تکوین روحیه غیرت و سلحشوری است

روحیه عشایر
عشایر ایران از روحیه ای سلحشورانه برخوردارند، چنانکه جنگیدن جزئی از زندگی آنها محسوب میگردد و اسلحه از ضروری ترین وسایل زندگی است. عشایر ما همیشه با نظامهای طاغوتی، خانها، مالکین و مامورین فاسد در جنگ و گریز مستمر بوده اند و در طول جنگ و گریزها که در واقع چیزی جز دفاع از مبانی حق و حقیقت نبوده،

نگاهی به بافت اجتماعی کشورمان جامعه فعلی ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و اجتماعی به سه گروه مختلف و متمایز تقسیم می شود. ۱- جامعه شهری که مردم آن با فرهنگ شهر نشینی و روحیه مصرفی زندگی شان را میگذرانند. ۲- جامعه روستائی که از نظر شیوه سکونت مشابه شهرنشینان و از نظر نحوه زندگی متمایز می باشند. ۳- جامعه عشایری که قشر عظیمی از جمعیت کشور ما را در بر میگیرد و ویژگیهای خاصی نیز دارد. اساس معیشت آنان بر پایه دامداری سنتی استوار گشته و به جهت بهره مندی از طبیعت و هماهنگی آن در فاصله بیلاق و قشلاق کوچ می نمایند. حریم مناطق عشایری در دل کوهها، مین دره های مسعب العبور و دشتهای خشک بی آب و علف است. این گروه و در مناطقی که نشان از زندگی بیست چادرهای سیاه برافراشته شده آنان که آنها حاصل دسترنج خودشان است، خود نمائی میکند.

خصوصیات زندگی عشایری
نوازم زندگی کوچ نشینان بسیار اندک و ابتدائی است و انسان را به یاد آیه شریفه ۸۵ سوره نحل می اندازد که خداوند می فرماید:

مقدمه

وقتی سخن از عشایر به میان می آید بلافاصله واژه هائی چون استضعاف، محرومیت، تلاش و کوشش در ذهن انسان نقش می بندد و واقعیت این است که عشایر ایران در طول سالیان گذشته پیوسته مورد کینه و نفرت حکام مستبد بوده و هر زمان مصلحتی ایجاب کرده از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ داده شده اند و هر زمان فریاد اعتراض برآورده اند، کینه نوزائنه سرکوب شده اند. با این همه عشایر مسلمان ایران که از لحاظ دانداری و صنایع دستی اقتصاد کشور را پاری می کنند، به گفته فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری «باصداران انقلاب هستند»

لذا بر مسئولین امر واجب است که در چهار چوب بهبود امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور، آنان را در اولویتها، بزه او قرار دهند. عشایر ایران چشم امیدشان بعد از خدا به دولت و مجلس شورای اسلامی است و به حق از مجلس انتظار دارند که قانونی جهت حمایت از آنان به تصویب برساند تا شخصیت راستین خود را باز یابند و همچنان در راه خدمت به کشور تلاش کنند.

*** در رابطه با بهداشت و درمان هنوز اقدام مهمی از سوی وزارت بهداشت صورت نگرفته است و آمار تلفات انسانی خیلی بالاست.**

*** تخریب مراتع در چند سال اخیر موجب مشکلات فراوانی گشته بطوریکه در بعضی نقاط، کوچ غیر ممکن شده و بناچار تعدادی سکونت کرده اند.**

مسئله بهداشت و سازمان عشایر با وارد آوردن تلفاتی به سرمایه‌های دشن، به اسارت در آوردن تعدادی از آنها، شهر را به تصرف خود در آوردند اما سرانجام ارتش رضاخان به فرماندهی باور حاجی علی اکبر خان رزم آرا و همکاری سایر خوانین محلی بایک جنگ نابرابر، عشایر ملکشاهی را سرکوب کرد اما رخت وزیم رضاخان از مبارزان عشایر بویژه از تک تیراندازان آنها خاتمه نیافت. یکی از سیاستهای ظالمانه رضاخان، تعویض جادریه و جایگزین کردن چادرهای سفید به منظور وابسته نمودن اقتصاد کوچ شینان به بازارهای سرمایه داران غرب بود. عشایر بعد از تبعید رضاخان به سبب ضعف

افرانی را که از عهده پرداخت مالیات برمی آمدند در زندان به زنجیر میکشیدند و با جویهای متشکب آنقدر به کف پای آنان فشار می آوردند که خون از آن سرازیر می شد و در نهایت آنها را وادار میکردند از هر طریقی که شده، مالیات بپردازند و یا زندانی خود را بصورت برده در اختیار خان قرار دهند. با اینهمه در مقابل ظلم و ستم خوانین، عشایر هم بیکار نمی نشستند و پیوسته در کوهستانهای ایلام به مبارزه مسلحانه علیه خان و مامورین او مبادرت می ورزیدند.

در سال ۱۳۰۹ یکی از ایلانهای ایلام بنام «ملکشاهی» علیه نظام فاسد رضاخانی به نبرد

بر خاک ریخته نده است که نگاهی به آمار شهدا و جانبازان عشایر شاهی بر این مدعاست.

تقسیم بندی عشایر بطور کلی عشایر ایران را می توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از:
۱- عشایر ساکن - همانند روستائیان در خانه های روستائی بسر می برند و در طی سالیان گذشته از زندگی ایلی خود دست کشیده و به شیوه جدیدین زندگی می کنند.

۲- عشایر نیمه سیار - مدتی از فصل سال را مانند روستائیان در خانه های گلی بسر می برند و سپس کوچ کرده و در چادر زندگی می کنند.

۳- عشایر کوچ رو - این گروه جهت همدنگی با طبیعت و تغذیه دامهای خود از بیلاق به سوی قشلاق و برعکس کوچ می کنند و در بعضی مناطق همه افراد ایل حرکت نمی کنند بلکه ریش سفیدان قوم، افرادی را با مسئولیتهای مشخص، تعیین کرده کوچ میدهند و عده ای دیگر به کار ادامه میدهند. آنچه که امروز بعنوان عشایر مورد نظر است، عشایر نوع سوم می باشد. علاوه بر دامداری سنتی، صنایع دستی هم میان عشایر رواج دارد و اکثر خانواده ها به قالی بافی، جاجیم بافی، گلیم بافی و بافتن جادریه اشتغال دارند.

مسیر کوچ و تعداد دام

کوچ نزد عشایر فلسفه خاصی دارد. دامداران عشایر حدود سه ماه از سال را در کوچ هستند و از مراتع بین راه استفاده می کنند. در نتیجه هم مراتع قشلاقی کمتر آسیب می بیند و هم مراتع بیلاقی فرصت کافی برای رشد پیدا میکنند. کوچ آنقدر با زندگی عشایر عجین شده که اگر نباشد، زندگی عشایری بی معناست. پس باید بین راهها مراتع کافی برای تغذیه دام موجود باشد که متأسفانه در چند سال اخیر تخریب شده و این مسئله مشکلات بزرگی را ایجاد نموده. بطوریکه در بعضی نقاط، کوچ غیر ممکن شده و بناچار تعدادی سکونت کرده اند.

طبق آمارگیری تیرماه ۱۳۶۱ جهاد سازندگی فقط در میان عشایر کوچ رو ۴ میلیون رأس دام گزارش شده و مسلماً در سال جاری از مرز ۵ میلیون نیز گذشته است.

تاریخچه ای از مبارزات عشایر

عشایر ایلام در دوران پیش از رضاخان در برابر ظلم والیان منطقه، بی رحم قیام برافراشتند. والیان



* یکی از سیاستهای ظالمانه رضاخان، تعویض چادرسیاه و جایگزین کردن چادرهای سفید به منظور وابسته نمودن اقتصاد کوچ نشینان به بازارهای سرمایه داری غرب بود

طبق اظهارات استاندار ایلام، مرکز عشایری ایلام، طرحی در دست مطالعه دارد که شامل خدماتی



از قبیل تربیت مروجهای چندپیشه (دام یار، بهداشت یار، آموزشیار، صنعت یار) می باشد. که از میان فرزندان عشایر برگزیده می شوند و وظیفه آنها رساندن خدمات به عشایر کوچ روستا و صنعت یاران به ترویج صنایع دستی و صنایع کوچک دامی خواهند پرداخت.

۳ - بهداشت و درمان: در این رابطه تاکنون اقدام مهمی از سوی وزارت بهداشت صورت نگرفته است. امار تلفات انسانی خیلی بالاست، چه بسا مادرانی که هنگام وضع حمل بدلیل عدم دسترسی به پزشک و یا حتی ماما، جان خود را از دست میدهند.

۴ - ارزاق: عشایر بدلیل نوع زندگی خاصشان، نیاز هایشان نیز متفاوت است بنا بر این نوع کالاهای سهمیه بندی شده عشایر هم باید همدریف

مسکونی تبدیل گشته است. هر چند که کشاورزی از امور مهم اقتصادی است اما تبدیل مراتع به زمینهای زراعتی خطر بزرگی برای دامپروری محسوب می شود.

۲ - مشکلات فرهنگی: در گذشته بیسواد میز عشایر بیداد میکرد و تنها سواد آموزی سنتی، آنهم بطور محدود میان بعضی ایلات رونق داشت و یک نفر بنام ملا یا میرزا، در زیر سیاه چادر قرائت قرآن و کتابهای نظیر شاهنامه، گلستان، دیوان حافظ و افسانه های فلک ناز و حیدر بک و... را تدریس میکرد و با اینکه عشایر مالیاتهای سنگینی

دولت مرکزی تا اندازه ای آزادتر شده ولسی یازگردانیدن محمدرضا توسط انگلیس و کارهای ظالمانه او موجب شد بسیاری از کوچ نشینان دست از زندگی سنتی کشیده و به دهات و شهرها پناه ببرند زیرا بعلت عدم دسترسی به مراتع واخادی ستمگانه مامورین تلفات سنگینی بر دامها وارد شد و بعلت نبودن علوفه کافی به فقر مبتلا شدند که خود عامل مهمی برای سکونتشان بود. رژیم شاه می خواست بانابودی دانداری سنتی و زندگی عشایری، ایلات را مهار کند و این درگیریها ادامه داشت تا اینکه طومار رژیم فاسد در هم پیچیده و به زیانه دانی تاریخ انداخته شد.

عشایر بعد از انقلاب اسلامی

باشروع انقلاب اسلامی، عشایر نیز مانند دیگر جوامع بپاخاسته و مسلحانه علیه رژیم وارد عمل شدند. بخصوص در فارس که اکثر پاسگاهها به همت عشایر خلع سلاح گردید.

بعد از انقلاب اسلامی، اسام خیمینی، ابن باور واقعی مستضعفان جهان، بایاز گویا و تحلیهای ارزشمند از عشایر، فصل نویی را بر زندگی کوچک آنها گشودند و آنان را پشتوانه و ذخایر اصلی انقلاب خواندند و عشایر نیز برای حفظ دستاوردهای انقلاب، به تلاشی پیگیر برخاستند. اکنون عشایر ایران، دیده بانانی صدیق، مرزدارانی شجاع و پاسدارانی همیشه در سنگر، برای انقلاب اسلامی هستند. آنان در سه جبهه اقتصادی، نظامی و سیاسی حضور فعال دارند و ایثارگراانه جان و مال و فرزندان خود را تقدیم می کنند و بخول نخست وزیر محبوبان «از پاکترین اعتقادات برخوردارند»

جریکهای عشایر، تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ در برابر ضربات شدیدی بر بیکر دشمن وارد می کنند. چندی پیش بدنبال بروز یک درگیری در ناحیه «جنگوله» غرب چوبابان منطقه، گوسفندها را رها کرده و با سلاحهای ابتدائی و شکاری به بازی براداران در میزند شتافتند و تکبیر گویان دشمن متجاوز را سرکوب و متواری کردند.

تنگناهای جوامع عشایری

مشکلات عشایر فواران است که ما به چند مورد اشاره میکنیم:

۱ - مرتع: مراتع منبع اصلی تغذیه دام است و عدم وجود مرتع، مساوی با مرگ زندگی عشایری است. متأسفانه در سالهای اخیر اکثر مراتع تخریب شده و به زمینهای زراعتی و باغ و خانه های

می پرداختند. از آنکو حکمتی قدیمی در یاد عبود وضع آموزشی آنان برده شد. زمینه اعتقادی در عشایر بالاست و علاقه به ائمه اطهار و رهبری امام خمینی در قلب آنها جای گرفته، اما آشنائی به اصول اعتقادی و انجام واجبات و ترک محرمات بسیار ضعیف است و لازم است از طرف حوزه های علمیه افرادی برای تبلیغ احکام دین به میان عشایر بروند و روند.

در حال حاضر در حدود ۹۰٪ عشایر فارس بیسوادند که سن تقریبی آنها ۶ - ۱۲ سال می باشد. آموزش و پرورش عشایر بسیار، هنوز شکل نگرفته و طبق آمارگیری جهاد سازندگی عشایر فارس، بالغ بر ۱۵ هزار نفر دانش آموز واجب التعلیم در میان عشایر فارس موجود است که از این تعداد تنها ۵۰۰۰ نفر تحت پوشش آموزش و پرورش هستند.

* هدف از برنامه های مرکز عشایری بالا بردن سطح آگاهی های سیاسی، مذهبی و ایجاد زمینه مناسب برای افزایش تولید و جلوگیری از اسکان عشایر در شهرهاست

مصارف قبلی آنها باشد. از طرفی چون سیستم توزیع مناسب نیست این امر باعث شده که اکثر

گاهی موضوع تمام شده ای را دوباره زنده می کند. ۶- مسائل اقتصادی: مبنای فعالیتهای اقتصادی دامداری است ولی تولیدات دامی بلحاظ عده وجود راههای ارتباطی و دسترسی به بازارهای مصرف، وضعیت مطلوبی ندارد. سلف خزان نیز از این راه سودهای کلانی به جیب می زنند که خوشبختانه با گسترش تعاونی های عشایری تا حد زیادی از نفوذ این واسطه ها کاسته شده است. جهاد سازندگی نیز در این زمینه با تأسیس راههای درجه یک روستایی در مسیر کوچ، مسیر را نزدیکتر نموده و با ایجاد پلهای متعدد بر رودخانه ها از مرگ و میر دامها



استانهای عشیره خیز، شعبی دایر نموده تعاونی های عشایری را تشکیل داد و در سال ۶۱ اتحادیه مرکزی تعاونی های عشایر ایران بنام «شهید بشارت» تأسیس شد. هدف از برنامه های مرکز عشایری بالا بردن سطح آگاهیهای سیاسی، مذهبی و ایجاد زمینه مناسب برای افزایش سطح تولیدات دامی و کشاورزی و احیاء زندگی سنتی و جلوگیری از اسکان عشایر در شهرها و روستاهاست. اهمیت دادن به طرحهای خدماتی عشایر، امری است که از مهاجرت بی رویه به شهر جلوگیری کرده و بر میزان تولید دامهای داخلی می افزاید زیرا اگر علوفه به موقع بدست آنها نرسد منجر به تلف شدن دامها خواهد گشت بعضی از عشایر خیلی خوش فکر و خلاقند، آنان در منطقه لرستان برای مداوای آبله گوسفندان خود، سالها از نوعی خاک استفاده میکردند که وقتی بعدها مورد آزمایش قرار گرفت، ملاحظه شد دارای مواد پنی سیلینی است و این نشانه تسلط آنها بر منابع طبیعی است و تلاش ما باید بر این اساس باشد که بجای تبلیغ ارزشهای کاذب زندگی شهری، خط مشی های اصیل آنها را در مبارزه با مشکلات به درون شهرها ببریم.

روزهای آبان ماه سال ۱۳۶۲ سمیناری مرکب از مسئولین مراکز عشایری سراسر کشور در تهران تشکیل شد که در این سمینار راجع به آئین نامه و اساسنامه عشایر بحث شد و نسبت به فعالیتهای گذشته و نقاط ضعف و قوت آن بررسی های لازم انجام گرفت در ضمن قرار شد ارگانهای عضو ستاد عشایر که مرکب از وزارت کشور، کشاورزی، بهداشتی، آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی هستند هرچه سریعتر نسبت به تشکیلات عشایر در استانها اقدام نمایند. در این سمینار از دولت جمهوری اسلامی تقاضا شد تا بودجه مستقل و مشخصی برای عشایر تصویب گردد. امیدواریم با تصویب این بودجه از طرف دولت گامی در جهت بهبود اوضاع عشایر ایران برداشته شود.

جلوگیری کرده است و با تشکیل اکیتهای پزشکی، دامپزشکی و دندانپزشکی بصورت سیار، در مسیر کوچ عشایر تا حدودی از اتلاف بیماران جلوگیری می کنند.

از دیگر تنگناها، وضعیت نامطلوب مراتع، کمبود علوفه بخصوص در قشلاق، مبادله ناعادلانه بین بازارهای شهری و روستایی، کمبود منابع آب بهداشتی و وجود امراض مسری را می توان نام برد.

تأسیس مراکز عشایری

سیاست جمهوری اسلامی ایران بها دادن به آداب و سنن ارزنده در بدست آوردن هویت اصیل فرهنگی و اسلامی اقشار مختلف کشور، از جمله عشایر می باشد.

در سال ۶۰ مراکز عشایری ایران، به جای طرح «دامداران متحرک» سابق، شروع بکار کرد و در

کوپنهاگشان باطل شود و مجبور شوند اجناس ضروری را از بازار آزاد و سیاه تهیه کنند. لازم به یاد آوری است که بعضی مناطق از جمله ستاد عشایری ایلام دست به ابتکارات جالبی زده اند و به جای توزیع کوپنهای روستایی، مواد اولیه و مورد نیاز عشایر را به قیمت ارزان، توزیع میکنند. شد مسائل امنیتی؛ بدلیل پراکندگی عشایر و عدم وجود نیروهای انتظامی در میان ایلات، اغلب اختلافات و درگیریهای کوچک به نزاع های قبیله ای می انجامد. حل اختلافات در میان عشایر، قوانین و روشهای خاصی دارد که باید از طرف مسئولین مورد بررسی قرار گرفته و با روش درست اعمال گردد، زیرا عدم آشنائی با فرهنگ عشایر و تصمیمات مقامات قضائی بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم آنها، موجب فرگیری جدیدی شده و

